ظهور بلایا و رزایا در ارض یاء

اوست گویندهٴ پاینده

چشم عدل گریان و انصاف نالان سبحان‌اللّه در ایران افتخار بظلم و ستم و بیرحمی و اخلاق درندگان صحاری و براری شده ذئاب جزائر جهل و نادانی اغنام الهی را دریدند خسارت عظیم را ربح کبیر دانسته‌اند امروز حنین اشیاء در ارض یاء مرتفع و فریاد و نالهٴ یوسفهای معانی از چاه جاه ظالمان بلند زخمی عظیم بر صدر عدل وارد و ضربتی محکم بر هیکل انصاف نازل غزالهای صحرای محبّت و صفا را صیّادهای کین در کمین و اطفال مهاد را طاغیان بی شرم و حیا از پی مقام عدل و جنودش ظلم و عساکرش قائم رحم در ایران بمثابهٴ عنقا بااسم و بیرسم و انصاف بمثابهٴ کبریت احمر مذکور و غیر مشهود

 در شب بیست و سیّم رمضان غبار و دخان عظیم از ضغینه و بغضای منکرین و معرضین برخاست بشأنی که تجلّیات انوار نیّر عدل را ستر نمود بل محو کرد دو مظلوم بیچاره و بی‌معین آقا علی و آقا علی اصغر علیهما بهآء اللّه و عنایته را در جامع شیخ حسن سبزواری بدون سبب و علّت اخذ نمودند و با گماشتهٴ والا حاجی نائب با خفّت تمام بحضور نوّاب والا بردند و انواع سیاست را مجرا داشتند و بعد بحبس فرستادند و از قرار مذکور آنچه ممکن بود از زخارف اخذ کردند و مرخّص نمودند و بعد دخان دیگر از مطالع بغی و فحشا مرتفع و آن اخذ نفوس مقدّسه در کرّهٴ اخری بوده هفت نفس را اخذ نمودند از جمله جناب ملّا علی سبزواری بوده و همچنین جناب ملّا مهدی علیهما بهآء اللّه و عنایته نوّاب والا بیکی گفته تبرّی کن تا خلاص شوی آن منقطع حقیقی فرمود چهل سالست که من منتظر این یوم بوده‌ام و الحمد للّه امروز فائز شده‌ام و نفس آخر در هنگام مرور در اسواق با میرغضبها و فرّاشها و رجّالهٴ عباد فرموده یا قوم سیّدالشّهدآء فرموده هل من ناصر ینصرنی و من عرض میکنم هل من ناظر ینظرنی باری نار بغضا بشأنی مشتعل که قلم از ذکرش عاجز این دو نفس مبارکه و نفوس اخری باستقامت تمام جان را فدا نمودند

 خونهای این نفوس سبب شد که حال اهل ایران بعضی اذکار را میشنوند و ساکنند بلکه میپذیرند اهل ایران با نفسی از نفوس خارجه مشی نمینمودند چه که نعوذ باللّه کلّ را نجس میدانستند ابداً تکلّم را جائز نمیشمردند حال از عنایت این ظهور اعظم ابواب معارف باز شده آن توحّشهای زاید از اعتدال و اعراض و اعتراضها از میان برخاست و کلّ را بحضور و لقا بشارت فرمود و فائز نمود دماء عشّاق در آفاق معجز‌ها نمود و اسباب بعد را بسیاط بیان دفع کرد و قرب را بر مقامش مقرّ و مأوی فرمود حال اکثری با جمیع احزاب معاشر و محبّ فی‌الحقیقه محبّتی نسبت بکلّ ظاهر شده که ظهورش نزد عباد از محالات شمرده میشد تبارک الکریم ذو الفضل العظیم حال کلّ بصر شده‌اند تا ببینند و سمع شده‌اند تا بشنوند انکار را جنود اقرار از میان برداشت در نفوذ قلم اعلی و اقتدار کلمهٴ علیا تفکّر نمائید چگونه تقلیب فرمود و نزدیک نمود

 باری نفوس مذکوره را ببدترین عذابهای عالم شهید نمودند یکی را طناب انداختند و کشیدند تا آخر بلد و باقی را از عقب او میزدند و میبردند بعضی را با سنگ و بعضی را با چوب و بعضی را با زنجیر و بعضی را با سلاح آن هیاکل مقدّسه را قطعه‌قطعه نمودند و بعد آتش زدند و استخوانها را در گودالها ریختند از قرار مذکور هزار نفر رو بصحرا گذارده‌اند معلوم نیست بکجا رفته‌اند و چه شده‌اند و احدی در آن ایّام از عیال و اطفال آن مظلوم‌ها سؤالی ننمود و از بیم و خوف نزدیک نرفت آن مظلومها بی‌قوت ماندند و از قرار مذکور بعضی از ملّت حضرت روح ایّدهم اللّه در سرّ سرّ من ‌غیر اطّلاع احدی دستگیری نمودند و قوت یومیّه را ارسال داشته‌اند

 یا حبیب روحانی امروز نالهٴ سنگ‌ریزه‌ها از صحراها مرتفع و حنین اشجار بلند و شب آن یوم بامر حکومت ناس عید گرفتند جشن بزرگی برپا گویا اقلیمی را فتح نمودند سبحان‌اللّه ظلم و بیشعوری بمقامی رسید که اهل آسمانها و زمینها کلّ را متحیّر نمود سوف یرون جزآء اعمالهم چه که بعد هر ظلمی نور عدل مشرق و بعد هر اعتسافی تجلّی نیّر انصاف باهر در جمیع احوال نسأل اللّه تبارک و تعالی ان یؤیّد عباده علی الاقبال و علی التّدارک علی ما فات عنهم فی اللّیالی و الأیّام انّه هو العزیز العلّام

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۶ مارس ۲۰۲٣، ساعت ۶:٠٠ بعد از ظهر